مشکوة سال چهل‌و سوم / ش ۱۶۳/ تابستان ۱۴۰۳

نوع مقاله: علمی ـ پژوهشی (۶۱ـ ۸۱)

بررسی پاسخ‌های مفسران شیعه به شبهه ناسازگاری آیهٔ ۹۶ اعراف با برخورداری غیرمؤمنان از نعمت‌ها

روح‌الله زینلی[۱]

چکیده

براساس آیهٔ ۹۶ سورهٔ اعراف می‌توان رابطه‌ای معنادار میان ایمان و تقوا و برخورداری از برکت‌های آسمانی و زمینی برقرار دانست؛ اما وجود جوامعی از افراد مؤمن و باتقوا ولی محروم و افراد غیرمومن اما متنعم، با ظاهر آیه ناسازگار بوده و شبهه ایجاد کرده است. از بررسی تفسیرهای شیعی شش پاسخ به این شبهه قابل برداشت است که به دو بخش ایجابی و سلبی تقسیم می‌شوند. پاسخ‌های ایجابی مواردی مانند اختصاص آیه به زمان و مورد خاص، استدراجی بودن برخورداری غیرمؤمنان و تأمل در معنای ایمان و تقوا و پاسخ‌های سلبی مواردی مانند انکار برخورداری غیرمؤمنان از برکات آسمانی و زمینی، انکار برخورداری غیرمؤمنان از برکات معنوی و انکار برخورداری کامل غیرمؤمنان از برکات را شامل می‌شود. هریک از این پاسخ‌ها به نوبهٔ خود ارزشمند است و بخشی از شبهه را پاسخ می‌دهد؛ اما برای حل کامل و همه‌جانبهٔ شبهه پاسخی جامع‌تر لازم است. ازاین‌رو با لحاظ کردن بخش‌هایی از پاسخ‌های یادشده و تأمل در معنا و مصادیق برکات کوشیده شده پاسخی جدید ارائه شود. در این پاسخ، مراتب متعدد مقامات معنوی و معارف الهی از جمله برکات آسمانی معرفی شده و برای تقوا نیز معنایی گسترده و دارای مراتب مختلف در نظر گرفته شده است؛ چنان‌که همهٔ گناهان اعم از گناهان ذکرشده در متون دینی و غیر آن را

۱. استادیار گروه معارف دانشگاه حکیم سبزواری ruholla12@gmail.com

دریافت ۱۴۰۲/۱۱/۹ـ پذیرش: ۱۴۰۳/۴/۱۸

دربر بگیرد. براین‌اساس، اگرچه غیرمؤمنان از برخی مراتب برکت‌های آسمانی محروم می‌شوند، از برخی مراتب برکت‌های زمینی بهره‌مندند و مؤمنان نیز اگرچه از برخی مراتب برکات زمینی محروم‌اند، از برکات آسمانی بهره‌ها می‌برند. پژوهش حاضر با روش توصیفی-انتقادی سامان یافته است.

کلیدواژه‌ها: ایمان، تقوا، برکات، موانع نزول نعمت، شرایط جغرافیایی دریافت برکت.

۱. طرح مسئله

از ظاهر آیهٔ ۹۶ سورهٔ اعراف ﴿**وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى ءَامَنُواْ وَ اتَّقَوْاْ لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُواْ فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُواْ يَكْسِبُونَ**﴾ «و اگر اهالی شهرها و آبادی‌ها ایمان بیاورند و تقوا پیشه کنند، برکت‌هایی از آسمان و زمین بر آنان گشوده خواهد شد؛ اما تکذیب کردند و آنان را به سزای کردارشان به عذاب گرفتیم» چنین برمی‌آید که میان ایمان و تقوا و گشایش برکت‌های آسمانی و زمینی رابطه‌ای معنادار وجود دارد؛ چنان‌که حتی می‌توان آن را از نوع علیت دانست. این نوع رابطه در برخی آیات دیگر از جمله آیهٔ ۶۵ و ۶۶ سورهٔ مائده نیز مطرح شده است. این معنا باعث طرح مسئله‌ای می‌شود که می‌توان آن را شبهه‌ای پیش روی آیه مورد بحث به شمار آورد. توضیح مطلب اینکه امروزه افراد بسیاری در کشورها و جوامع غیرمسلمان وجود دارند که اگرچه دست‌کم، شرط ایمان ذکرشده در آیه را دارا نیستند، از نعمت‌های فراوانی برخوردارند؛ حال‌آنکه در جوامع مسلمان، بسیاری از مؤمنان نه‌تنها از نعمت‌ها برخوردار نیستند، بلکه با مشکلات و بلاهای بسیاری نیز درگیرند. افزون بر این شمار مسلمانان و به‌ظاهر مؤمنان بی‌تقوایی که از برکت‌ها برخوردارند نیز کم نیست. آیا این واقعیت نقض‌کنندهٔ آیهٔ مورد بحث نیست؟

این مسئله چنانچه برکت‌ها به نعمت‌های این‌جهانی مانند باران و خوراکی‌ها تفسیر شوند، به صورتی جدی‌تر مطرح خواهد بود. مسئلهٔ اصلی مقالهٔ حاضر گزارش پاسخ‌های مفسران شیعه به این شبهه و بررسی میزان کارآمدی آن‌ها و کوشش برای ارائهٔ پاسخی جامع‌تر و کارآمدتر است.

۲. پیشینهٔ پژوهش

غیر از تفاسیر متعددی که از سوی مفسران شیعه دراین‌باره ارائه شده و موضوع اصلی مقالهٔ حاضر هستند، پیشینهٔ بحث را می‌توان در پژوهش‌هایی که به آثار ایمان و تقوا و سنت استدراج و املا در قرآن کریم پرداخته‌اند، جست‌وجو کرد؛ از جمله: مقالهٔ «بررسی سنت استدراج در قرآن و میراث تفسیری» از منصوری (۱۳۸۶) و «نقش ایمان و تقوا در نزول برکات» از معارف و مهدی‌نژاد (۱۳۸۹). همچنین می‌توان به برداشت‌هایی از این آیه که مرتبط با مسئلهٔ تحقیق است، اشاره کرد؛ برای نمونه در مقالهٔ «نظریه‌پردازی‌های علمی قرآن» به قلم رضایی اصفهانی (۱۳۹۰)، تأثیر عوامل معنوی در رشد اقتصادی از آیه برداشت شده است. در مقالهٔ «واکاوی عوامل معنوی بارش باران از نگاه قرآن» به قلم حاجی‌خانی و جلیلیان (۱۳۹۵) نیز به این آیه استناد شده و در مقالهٔ «سنت امداد در زندگی بشر از دیدگاه قرآن» از فرقانی (۱۳۸۴) با استناد به این آیه، ایمان و تقوا شرط بهره‌مندی از امدادهای خاص خداوند معرفی شده است. عوامل مؤثر در ارتقای مسئولیت اجتماعی مسئلهٔ دیگری است که در مقالهٔ «ارتقای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها با رویکردی اسلامی» نوشتهٔ صالحی امیری و مطهری‌نژاد (۱۳۸۹) در آیه مورد توجه قرار گرفته است.

به‌رغم جست‌وجوی فراوان، نویسنده نتوانست به پژوهش و اثری مستقل دربارهٔ مسئلهٔ تحقیق دست یابد. اگرچه هریک از پاسخ‌های یادشده در جای خود ارزشمند هستند و بخشی از شبهه را برطرف می‌کنند، برای برطرف ساختن کامل شبهه باید ضمن الهام از آن‌ها پاسخی کامل‌تر ارائه شود.

۳. مفهوم‌شناسی

ایمان: ایمان و مشتقات آن ۸۷۹ بار در قرآن کریم به‌کار رفته است. در میان مسلمانان مبحث ایمان و ماهیت آن از جمله کهن‌ترینِ مباحث به شمار می‌آید. در تاریخ کلام اسلامی دربارهٔ ماهیت ایمان دو دیدگاه عمده ارائه شده است: پیوست و گسست ماهوی

ایمان و عمل. خوارج مهم‌ترین باورمندان به دیدگاه پیوست بودند. آنان عمل را جزء حقیقت ایمان می‌دانستند؛ ازاین‌رو معتقد بودند که ترک عمل و ارتکاب کبیره سبب کفر می‌شود (شهرستانی، ۱۳۶۴: ۱/ ۱۳۲). معتزله را نیز به‌نوعی می‌توان از باورمندان به این دیدگاه دانست (قاضی عبدالجبار، ۱۴۲۲: ۴۷۴). اما مرجئه برجسته‌ترین باورمندان به دیدگاه گسست هستند. در نگاه مرجئه ایمان از سنخ عمل نیست و ارتکاب گناه کبیره خدشه‌ای به ایمان وارد نمی‌آورد (بغدادی، ۱۹۹۲: ۱۳۹). شیعیان و اشعریان را نیز می‌توان ذیل این دیدگاه قرار داد. شیعیان ایمان را تصدیق قلبی می‌دانند (طوسی، ۱۴۰۶: ۲۲۷؛ شریف مرتضی، ۱۴۱۱: ۵۳۶) و بر این باورند که ایمان عبارت است از پذیرش قلبی متعلقات آن، و عمل از ماهیت ایمان خارج است (سبحانی، بی‌تا: ۳/ ۱۲۱). اشعریان نیز ایمان را از سنخ تصدیق و عمل را خارج از ماهیت ایمان می‌دانند (تفتازانی، ۱۴۰۷: ۸۰؛ آمدی، ۱۴۲۳: ۵/ ۹).

تقوا: تقوا از ریشهٔ «وقی» در لغت به معنای حفظ و بازداشتن چیزی از آزار رساندن است و در اصطلاح به معنای حفظ نفس است از آنچه از آن هراس دارد یا از آنچه به گناه می‌انجامد (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۵/ ۲۳۹؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۸۱). این واژه و مشتقات آن ۲۷۵ بار در قرآن کریم به‌کار رفته است. ترس از خدا (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳/ ۲۴۰) و انجام طاعات و ترک محرمات (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱/ ۱۱۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹/ ۲۱۸) معانی دیگری هستند که در قرآن برای تقوا استفاده شده است. در قرآن کریم تقوا در برابر مفاهیمی مانند کفر، عدوان، ظلم، کبر، فساد، اسراف، فجور، خسران، خیانت و اختیال به کار برده شده است (شیرافکن، ۱۳۹۶: ۱۷۵-۱۹۵). ازآنجاکه در آیهٔ مورد بحث تقوا پس از ایمان آمده، معنای آن حفظ نفس از ارتکاب گناهان است و این معنایی است که مورد توجه فقیهان نیز بوده است (فخر المحققین، ۱۳۸۷: ۴/ ۴۲۱؛ پاکتچی و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۶/ ۵۴). این معنا تمام عناوین گناه را دربر می‌گیرد؛ بنابراین فرد متقی کسی است که از هر گناه شرعی و اخلاقی‌ای بپرهیزد.

برکت: برکت از ریشهٔ «برک» به معنای رشد و نمو و زیادت و سعادت بوده (ابن منظور،

۱۴۱۴: ۱۰/ ۳۹۵؛ قرشی، ۱۳۷۱: ۱/ ۱۸۹) و ۳۲ بار در قرآن کریم به‌کار رفته است. این واژه بر ثبوت و تداوم خیر الهی نیز دلالت می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۱۹). افزون بر این برخی اصل معنایی در برکت را زیاد شدن، رشد کردن و خیر مادی یا معنوی دانسته‌اند (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱/ ۲۵۹). علامه طباطبایی در تبیین مفهوم قرآنی برکت آن را به خیر ثابت و مستقر در هرچیزی معنا کرده و ازآنجاکه غایت و هدف آموزه‌های دینی حتی در امور دنیوی دستیابی به سعادت معنوی است، وی برکت به‌کاررفته در ظواهر متون دینی را نیز به معنای خیر معنوی دانسته است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۷/ ۲۸۰-۲۸۱).

۴. پاسخ‌های مفسران

با بررسی تفسیرهای ارائه‌شده از سوی مفسران شیعه از گذشته تا زمان حال، می‌توان به شش پاسخ دست یافت که می‌توان آن‌ها را به دو بخش ایجابی و سلبی تقسیم کرد. در پاسخ‌های ایجابی، اصل برخورداری غیرمسلمانان و غیرمؤمنان از برکات پذیرفته شده؛ اما در پاسخ‌های سلبی این برخورداری انکار شده است.

۴-۱. پاسخ‌های ایجابی

الف) اختصاص آیه به زمان و مورد خاص

بسیاری از مفسران آیه را ناظر به قوم، شهر و دیار و یا زمانی خاص دانسته‌اند. برخی مراد از «اهل‌القری» را مردمان شهرهایی که عذاب شده‌اند، دانسته‌اند (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳: ۵۱/۲) و برخی دیگر به‌صراحت از قوم لوط، صالح و شعیب نام برده‌اند (طوسی، بی‌تا: ۴/ ۴۷۷). برخی نیز مراد از «اهل‌القری» را مردم آبادی‌ها و شهرهایی دانسته‌اند که آیات الهی و پیامبران را تکذیب کرده و هلاک شده‌اند (طبرسی، ۱۴۱۲: ۱/ ۴۵۴) یا ساکنان شهرهایی که به علت جحود و عناد به هلاکت رسیده‌اند (همو، ۱۴۰۶: ۴/ ۶۹۸). از سخنان برخی دیگر چنین برمی‌آید که «اهل‌القری» مردمان شهرهایی هستند که بلا بر آن‌ها نازل شده است (رازی، ۱۴۰۸: ۸/ ۳۰۸). مفسرانی نیز «اهل‌القری» را اهل شهرهایی دانسته‌اند که پیش‌تر از عذابشان سخن رفته؛ ازاین‌رو این مفسران «فأخذناهم» را به

عـذاب استیصـال تفسـیر کرده‌انـد (جرجـانی، ۱۳۷۷: ۳/ ۲۱۸؛ واعـظ کاشـفی، ۱۳۶۹: ۱/ ۳۴۳). این تفسیر در بیشتر تفاسیر شیعه تا قرن دهم پذیرفته شده؛ اما از آن قرن به بعد احتمالات دیگری نیز مطرح شده است؛ برای نمونه برخی بر این باورند که مراد آیه مناطقی است که دچار عذاب شده‌اند و یا اهل مکه و حوالی آن بوده است (کاشانی، ۱۳۷۳: ۴/ ۷۷). در برخی تفاسیر نیز از اینکه مراد اهل مکه باشند یا اینکه اختصاص به دیار خاصی ندارد، با فعل مجهول «قیل» یاد شده است (کاشانی، ۱۴۲۳: ۲/ ۵۶۷؛ فیض دکنی، ۱۴۱۷: ۲/ ۳۲۹). ایـن تفسـیر البتـه در برخـی تفاسـیر پس از قـرن دهـم نیـز مـورد توجـه بـوده اسـت (لاهیجی، ۱۳۷۳: ۲/ ۶۵؛ سبزواری نجفی، ۱۴۱۹: ۱/ ۱۶۸؛ خسروانی، ۱۳۹۰: ۳/ ۲۸۷).

بررسی

در بررسی دیدگاه اختصـاص آیه بـه زمـان و مـورد خـاص، دو نکتـه قابـل توجـه اسـت: نخست اینکه در خود آیه شاهدی بر اختصـاص معنـای «اهل‌القری» به شـهرها و منـاطق عذاب‌شده وجود ندارد؛ ازاین‌رو این تفسیر باید براساس آیات پیشین مطرح شده باشد (طوسی، بی‌تا: ۴/ ۴۷۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۴/ ۶۹۸) کـه در آن‌هـا سرگذشـت اقـوام پیـامبران گذشته بیان شده است. ذکر نام امت‌های خاص می‌تواند ایـن ذهنیـت را ایجـاد کنـد کـه سـنت هـدایت و عـذاب بـه آن‌هـا اختصـاص دارد؛ ازایـن‌رو در آیـهٔ ۹۴ سـوره اعـراف بـا به‌کارگیری نکره در سیاق نفی، این ذهنیت برطرف شـده اسـت. ایـن معنـا باعـث شـده کـه بسیاری از مفسران حتی آنان که از آیهٔ ۹۶ اعراف تفسیر اختصاصی ارائه کرده‌انـد، آیهٔ ۹۴ این سوره را ناظر به قومی خاص ندانند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴/ ۶۹۵؛ کاشانی، ۱۳۷۳: ۴/ ۷۶؛ طوسی، بی‌تا: ۴/ ۴۷۴؛ فخر الدین رازی، ۱۴۲۰: ۵/ ۳۲۰) و برخی نیـز آیهٔ ۹۴ را مدلول آیهٔ ۹۶ به شـمار آورنـد. بنـابراین از آیات پیشـین نیـز نمی‌تـوان چنـین اختصاصـی را برداشـت کـرد؛ البته سخن در نفی اختصاص آیه به قوم یا اقوامی خاص است که درصورت عام بودن آیه، آن اقوام را هم دربر خواهد گرفت.

نکتهٔ دوم اینکه حتی اگر آیه را نـاظر به اقوام، شـهر و یـا زمـان خاصـی بـدانیم، براسـاس قاعدهٔ «جری» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱/ ۴۱) می‌توان برای حکـم آن مصـادیق متعـددی در نظر

گرفت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۶/ ۲۶۷) که در این صورت شبهه همچنان به قوت خود باقی خواهد بود.

ب) استدراجی بودن برخورداری غیرمؤمنان

برخی مفسران برخورداری غیرمؤمنان از برکت‌های آسمانی و زمینی را از مصادیق سنت استدراج و املا دانسته‌اند. استدراج در لغت از ریشهٔ «درج» به معنای به‌دست آوردن تدریجی است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲/ ۲۶۹؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۶۷) و در اصطلاح به معنای آن است که خداوند گناهکاران را سریع به عقوبت گناهانشان گرفتار نمی‌کند؛ بلکه به آنان نعمت می‌دهد تا به غفلت بیشتری دچار شوند و توفیق استغفار و توبه به‌دست نیاورند (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/ ۹۷، ۲۷۸، ۴۵۲؛ ورام بن ابی فراس، ۱۴۱۰: ۲/ ۲۳۲؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۲/ ۲۹۹). بنابراین علت برخورداری بیشتر غیرمؤمنان از برکات آسمانی و زمینی این است که گرفتار سنت استدراج شده‌اند. آنان هرچه بیشتر به گناه آلوده شوند، نعمت بیشتری نصیبشان می‌شود و از استغفار و توبه غفلت می‌کنند و به این ترتیب فرجامی سخت برای خود رقم می‌زنند. بدین‌سان این‌گونه برخورداری را نمی‌توان ممدوح دانست (طیب، ۱۳۷۸: ۵/ ۳۹۸؛ جرجانی، ۱۳۷۷: ۳/ ۲۱۷؛ کاشانی، ۱۴۲۳: ۲/ ۵۶۷؛ عاملی، ۱۴۱۳: ۱/ ۴۷۸).

بررسی

این پاسخ نیز نمی‌تواند شبهه را به صورت کامل برطرف سازد. بر پایهٔ آیات قرآن کریم عذاب استدراج با وجود سه شرط تحقق می‌یابد: نخست، وجود هدایت و فراهم شدن زمینه‌های آن است (انعام/ ۱۳۰-۱۳۱). در این آیات به‌صراحت ارتباط عذاب و هدایت بیان شده است؛ یعنی خداوند پیش از اینکه اهل شهر و دیاری را هدایت کند، عذابشان نخواهد کرد. بنابراین عذاب ناآگاهان و غافلان از حقیقت که خود تقصیری در این ناآگاهی و غفلت ندارند، قبیح خواهد بود و خداوند از انجام فعل قبیح مبرّاست. استدراج هنگامی تحقق می‌یابد که دیدگاه حق و رسولان بر حق الهی آگاهانه تکذیب

شود (سبأ/ ۳۴؛ زخرف/ ۲۳؛ انعام/ ۱۲۳). شرط دوم، تکذیب و انکار آیات الهی است (اعراف/ ۱۸۳؛ قلم/ ۴۵). در تکذیب، انکار نابجا و جحد نهفته است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱/ ۷۰۷)؛ بنابراین تنها دربارهٔ کسانی صدق می‌کند که به‌رغم اذعان به درستی و حقانیت سخن و آموزه‌های پیامبران، آن را انکار می‌کنند (محمّد/ ۲۵). ازآنجاکه مضمون این شرط در آیات متعددی تکرار شده (بقره/ ۱۲۶؛ قلم/ ۴۴؛ اعراف/ ۱۸۲)، قرآن کریم دربارهٔ مطلق غیرمسلمانان و غیرمؤمنان چنین حکمی را جاری ندانسته است (بقره/ ۶۲). سومین شرط تحقق عذاب استدراج نیز انجام مستمر و عمومی گناهان است. با نگاهی به جوامع کنونی غیرمؤمنان برخوردار درمی‌یابیم که هیچ‌یک از سه شرط یادشده چنان‌که باید تحقق نیافته است. بیشتر افراد این جوامع به علت قرارگیری در جغرافیایی خاص، دین رایج همان منطقه را پذیرفته‌اند؛ به عبارت دیگر علت اصلی گرایش به هر دینی تولد در منطقه‌ای است که آن دین رواج دارد و از این نظر در بیشتر موارد بین یک یهودی، مسیحی، مسلمان، هندو و بودایی و حتی خداناباور تفاوتی وجود ندارد. ازاین‌رو همهٔ این افراد در لوازم و پیامدهای دین‌داری خود نیز همانند هستند؛ چنان‌که برای نمونه یک مسلمان به‌ندرت دربارهٔ حقانیت و تغییر دین خود دچار تردید می‌شود و به‌تبع آن تحقیق در این زمینه را لازم نمی‌داند. در اینجا سخن از آگاهی یا ناآگاهی نیست؛ بلکه سخن در عدم لزوم تحقیق در حقانیت دین پذیرفته‌شده است و ازاین‌روست که بیشتر متدینان و حتی عالمان ادیان از محتوای آموزه‌ها و کتاب‌های یکدیگر بی‌اطلاع‌اند و مطالعهٔ آموزه‌های دیگری را لازم ندانسته و یا گاهی ممنوع اعلام می‌کنند. در چنین حالتی نمی‌توان از تحقق شرط آگاهی سخن گفت.

شرط دوم که تکذیب و انکار آگاهانه، عامدانه و معاندانهٔ حقیقت است نیز دربارهٔ بیشتر غیرمؤمنان تحقق نمی‌یابد. در واقع هیچ دلیل و شاهد مستند و قابل ارائه‌ای وجود ندارد که براساس آن بتوان گفت بیشتر غیرمؤمنان برخوردار در برابر پذیرش حقیقتْ انکار و جحد می‌ورزند. تغییر دین نیز به‌آسانی رخ نمی‌دهد و نباید نپذیرفتن سریع هر ادعایی را هرچند مدلّل، بر حق‌ناپذیری و جحد حمل کرد. استاد مطهری بر آن است که اسلام بر

دو گونه است: واقعی و منطقه‌ای. اسلام واقعی یعنی برخورداری از روحیهٔ تسلیم در برابر حق و چنین افرادی را حتی اگر به‌نام مسلمان نباشند، نمی‌توان کافر و مستحق عذاب دانست (مطهری، بی‌تا: ۱/ ۲۹۳).

شرط سوم نیز دربارهٔ بیشتر غیرمؤمنان برخوردار تحقق نیافته؛ چراکه بیشتر مردمان در هر سنت دینی‌ای زندگی اخلاقی و به دور از گناهی را تجربه می‌کنند.

بدین‌سان بسیاری از غیرمؤمنان برخوردار به صورت تخصصی از شمول سنت استدراج خارج‌اند و شبهه همچنان به قوت خود باقی است.

ج) تأمل در معنای ایمان و تقوا

از برخی تفاسیر می‌توان پاسخ دیگری متناظر با معنای ایمان و تقوا برداشت کرد. با اینکه تقریرهای مختلفی برای این پاسخ قابل ارائه است، وجه مشترک همهٔ آن‌ها ارائهٔ معنای عام از ایمان و تلازم آن با عمل و واگذاری نقش اصلی در بهبود شرایط زندگی این‌جهانی به عمل است. در این تفسیر، ایمان به معنای پذیرش و باور صرف نیست؛ بلکه عمل نیز در آن نهفته است؛ به عبارت دیگر آنچه باعث ظهور برکات می‌شود، ایمانی است که با عمل به جمیع احکام و مبادی آن‌ها همراه باشد. مؤمن به چنین ایمانی همواره در پی اقامهٔ عدل در همه‌جا است. زمانی که عدل فراگیر شود، اوضاع بهبود می‌یابد و بدی‌ها و سختی‌ها از بین می‌رود (مغنیه، ۱۴۲۴: ۳/ ۳۶۷). در این دیدگاه، نقش اصلی در بهبود شرایط جامعه به عمل داده شده است. لازمهٔ این سخن آن است که ایمان به معنای باور قلبی صرف اثر چندانی ندارد. در برخی از این تقریرها عمل به‌گونه‌ای ناظر به تقوا دانسته شده است (حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۶/ ۴۳۳؛ مغنیه، ۱۴۲۴: ۳/ ۳۶۷). برخی دیگر میان هدایت تشریعی پیامبر و هدایت تکوینی وجدان تفاوت قائل شده‌اند (قرشی، ۱۳۷۵: ۳/ ۴۷۰) و با وجود اینکه هر دو را برای رسیدن به برکت‌ها لازم می‌دانند، میان نتایج ایمان و تقوا فرق نهاده‌اند. با توجه به این تفاوت، ممکن است کسی ایمان نداشته باشد، اما از برکات عمل براساس راهنمایی تکوینی وجدان بهره‌مند شود؛ به

عبارت دیگر تقوا همان رعایت عدل و مساوات و دوری از خودرأیی، دیکتاتوری، احتکار، زمین‌خواری، جنگ و مانند آن است که پایبندی به آن زندگی پاک و آرامی را تضمین می‌کند (مغنیه، ۱۴۲۵: ۱/ ۲۰۸). بنابراین بر پایهٔ این پاسخ می‌توان گفت که کشورها و جوامع غیرمؤمن برخوردار به علت عمل به مقتضای تقوا یعنی هدایت تکوینی عقل از نعمت‌ها و برکات مادی بهره‌مند شده‌اند.

بررسی

دربارهٔ این پاسخ چند نکته قابل تأمل است: نخست اینکه ارائهٔ معنایی عام از ایمان به گونه‌ای که عمل و به تعبیر ذکرشده در پاسخْ تقوا را نیز دربر بگیرد، با دیدگاه شیعیان مبنی بر جدایی ماهیت ایمان و عمل سازگار نیست. توضیح مطلب اینکه اگرچه عمل برای رسیدن به رستگاری ضروری است، با ایمان تفاوت دارد و آن اینکه ایمان از سنخ تصدیق و امری است ذهنی؛ حال‌آنکه عمل امری عینی است. همچنین میان ایمان و عمل ملازمهٔ وجودی برقرار نیست؛ بلکه هریک بدون دیگری قابل تحقق بوده و نتایج مخصوص به خود را دارند. ازاین‌رو چنین معنایی از ایمان شبهه را به صورت کامل برطرف نمی‌کند. افزون بر این حتی اگر میان ایمان و عمل ملازمهٔ وجودی برقرار باشد، شبهه همچنان به قوت خود باقی خواهد ماند؛ چراکه غیرمؤمنان برخوردار، از چنین ایمانی نیز محروم‌اند.

نکتهٔ دیگر اینکه در آیهٔ مورد بحث نزول برکات آسمانی و زمینی مشروط به وجود ایمان و تقوا شده است؛ بنابراین نبود ایمان و یا تقوا به معنای عدم برخورداری از برکات خواهد بود. گرچه در بخشی از این پاسخ بر عمل و نقش آن تأکید شده، از ایمان و برکات مربوط به آن غفلت شده است؛ به عبارت دیگر در این پاسخ دربارهٔ اینکه غیرمؤمنان برخوردار به علت نداشتن ایمان از چه برکاتی محروم شده‌اند، توضیحی ارائه نشده است. اما چنانچه تقوا و ایمان ملازم دانسته شوند نیز همچنان شبهه وارد خواهد بود؛ زیرا نبود یکی به معنای نبود دیگری است و کسی که تقوا ندارد، ایمان هم نخواهد داشت.

۴-۲. پاسخ‌های سلبی

الف) انکار برخورداری غیرمؤمنان از برکات آسمانی و زمینی

برخی از مفسران با تقریرهای مختلف درصدد انکار برخورداری غیرمؤمنان از برکات زمینی و آسمانی برآمده‌اند؛ برای نمونه برخی برآن‌اند که غیرمؤمنان به‌رغم برخورداری از امکانات مادی، از آرامش و آسایش و اطمینان خاطر بهره‌ای ندارند و همواره در جنگ و جدال به سر می‌برند (عاملی، ۱۳۶۰: ۴/ ۲۰۲). برخی نیز با توجه دادن به تفاوت برخورداری از ثروت و داشتن احساس خوشبختی به‌صراحت گفته‌اند: «اگر به درون این جوامع نفوذ کنیم و دردهای جانکاهی که روح و جسم آن‌ها را درهم می‌کوبد از نزدیک ببینیم، قبول خواهیم کرد که بسیاری از آن‌ها از بیچاره‌ترین مردم روی زمین هستند. این جوامع از ناامنی و انحطاط اخلاقی رنج می‌برند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۶/ ۲۷۱). گاهی نیز دستاوردهای علمی و فناوری جدید در حفظ انسان‌ها و افزایش امنیت زندگی آنان ناکارآمد و بی‌فایده دانسته شده و بر این نکته تأکید شده که انسان امروز به اندازهٔ انسان گذشته ضعیف و ناتوان و بی‌دفاع است؛ یعنی در برابر زلزله، صاعقه و مانند آن کمترین تفاوتی در حال او نسبت به انسان‌های پیش از تاریخ پیدا نشده است (همان). برخی نیز نعمت‌ها و گشایش‌های مادی را برکت و نعمت ندانسته و از آن‌ها با عنوان قهر الهی یاد کرده‌اند (قرشی، ۱۳۷۵: ۳/ ۴۶۸؛ طیب، ۱۳۷۸: ۵/ ۳۹۸؛ قرائتی، ۱۳۸۸: ۳/ ۱۲۳). بنابراین با پذیرش چنین فرضی تعارضی رخ نخواهد داد و شبهه‌ای مطرح نخواهد شد.

بررسی

این پاسخ نیز به دلایلی نمی‌تواند شبههٔ یادشده را به صورت کامل برطرف سازد: نخست اینکه بیشتر همین مفسران مراد از برکات آسمانی و زمینی را بارش باران و رویش گیاهان دانسته و از آرامش و امنیت سخن نگفته‌اند. در بسیاری از جوامع غیرمؤمن بارش باران و رویش گیاهان که می‌تواند نشانهٔ اوضاع خوب اقتصادی هم باشد، فراوان است و مردم از این نظر در نعمت‌اند؛ بنابراین آنچه انکار شده اساساً از ابتدا اثبات نشده است.

دیگر اینکه آنچه دربارهٔ مشکلات روانی از جمله نبود آرامش و آسایش گفته شده به جوامع غیرمؤمن برخوردار اختصاص ندارد؛ بلکه در جوامع مسلمان و مؤمن، اعم از برخوردار و نابرخوردار نیز وجود دارد. با نگاهی به پژوهش‌های موجود می‌توان ارتباط معناداری میان محرومیت‌ها و فقر و مشکلات روانی یادشده مشاهده کرد (یزدانی و دیگران، ۱۳۹۹). اگرچه برخورداری از ثروت الزاماً به آرامش و رفع اضطراب نمی‌انجامد، به گواهی آمارهای موجود کمبودها و مشکلات اقتصادی عامل بسیاری از ناآرامی‌های روانی و انواع استرس و اضطراب است (حیدرنیا و دیگران، ۱۳۹۱). افزون بر این تمام افراد در این جوامع گرفتار مشکلات روانی نیستند و این معنا دربارهٔ بخش عمده‌ای از جمعیت آن‌ها صدق نمی‌کند.

همچنین این سخن برخی مفسران که به‌صراحت پیشرفت‌ها و دستاوردهای علمی و فناورانهٔ بشر کنونی را در افزایش امنیت زندگی نادیده گرفته‌اند نیز صحیح نمی‌نماید. شواهد متعددی آشکارا بر ایمن‌تر شدن زندگی انسان‌های امروزین دلالت دارند: ساختمان‌سازی در گذشته قابل مقایسه با فناوری ساخت ساختمان‌های مستحکم و مقاوم در برابر زلزلهٔ امروز نیست، پیشرفت‌های علمی از حوادث طبیعی و مرگ و ویرانی‌های گسترده به صورت قابل توجهی کاسته است، بسیاری از بیماری‌ها با فناوری‌های جدید درمان‌پذیر شده‌اند و تلفات مالی و جانی سفرها نسبت به گذشته بسیار کمتر شده است. افزون بر این یکی از مهم‌ترین وجوه تمایز جوامع انسانی در دوران‌های مختلف را باید در دسترسی به ابزارها و فناوری‌ها جست‌وجو کرد؛ مسئله‌ای که از طریق مقایسهٔ جوامع امروز با گذشته‌ای نه‌چندان دور قابل اثبات است.

نقمت دانستن گشایش‌های مادی نیز به حلّ شبهه کمکی نمی‌کند؛ زیرا چنان‌که گفته شد این مفسران برکات را به گشایش‌های مادی تفسیر کرده‌اند که در واقع برای زندگی این‌جهانی نعمت و برکت به شمار می‌روند. حتی گرفتاری در عذاب اخروی نیز ماهیت و کارکرد این‌جهانی نعمت‌ها و برکات را از بین نمی‌برد؛ به عبارت دیگر این برکات در ذات خود نقمت نیستند وگرنه باید برای همگان چنین باشند.

ب) انکار برخورداری غیرمؤمنان از برکات معنوی

برخی مفسران با تحویل و یا تأویل برکات آسمانی به الطاف و ادراکات معنوی، غیرمؤمنان برخوردار را از این برکات محروم دانسته‌اند. گشایش‌ها و برکات آسمانی عبارت‌اند از توجهات معنوی و رحمت‌های روحانی که سبب انبساط روح و وسعت قلب و استفاضه از فیوضات الهی می‌شوند (مصطفوی، ۱۳۸۰: ۹/ ۷۱). تفسیر برکات به استجابت دعا را نیز می‌توان به‌گونه‌ای ذیل همین پاسخ قرار داد (ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸: ۲/ ۴۵۲؛ بروجردی، ۱۳۶۶: ۲/ ۴۳۵) و همچنین تفاسیر عرفانی از آیه مانند: «تقوا دوری از فروافتادن به سرای جنیان که عالم ملکوت سفلی است، می‌باشد. لازمهٔ این دوری جستن تشخیص راه راستی است که سالک را به ملکوت علیا می‌رساند. این تشخیص تنها از راه ولایت حاصل می‌شود که با بیعت و دعوت باطنی محقق می‌گردد» (گنابادی، ۱۴۰۸: ۵/ ۳۶۸). در تعبیری دیگر ایمان به معنای ایمان خاص دانسته شده که با بیعت ولوی حاصل می‌شود. چنین ایمانی فعلیتی در قلب مؤمن است که از قبول ولایت و از ذکری که از صاحب ذکر اخذ شده، حاصل می‌شود و آن هم از فکر به‌دست می‌آید. فکر نیز عبارت است از ملکوت امام و صورت مثالی او در قلب مؤمن سالک. این بخش مربوط به عالم کبیر است. البته آیه در تناظر با عالم صغیر نیز معنایی دارد و آن این است که چنانچه اهل قریه‌ها (قوا و استعدادهای درونی) ایمان بیاورند و به حکومت عقلی که مطیع ولی‌امر است، اذعان کنند و از مخالفت با احکام او بپرهیزند، برکات آسمانی و زمینی به روی آنان گشوده خواهد شد (گنابادی، ۱۴۰۸: ۵/ ۳۶۸). برخی از مفسران نیز با پذیرش این نکته که بین ایمان و تقوا در عمل می‌توان فرق نهاد، برکات را به نجات اخروی معنا کرده و غیرمؤمنان تقواپیشه را از نجات اخروی محروم دانسته‌اند (طیب، ۱۳۷۸: ۵/ ۳۹۸).

بررسی

تفسیر مطلق برکات به مقامات معنوی و الطاف خاص پروردگار، با ظاهر عام آیه و نیز معنا و مصادیق برکت سازگاری ندارد. حتی اگر بتوان از برکات آسمانی چنین تعبیری داشت، نمی‌توان برکات زمینی را به این معنا بازگرداند. بسیاری از برکات زمینی، چنان‌که

پیداست، همهٔ انسان‌ها را صرف‌نظر از ایمان و عقیده شامل می‌شود؛ بنابراین دربارهٔ این برکات، شبهه همچنان به قوت خود باقی است. تفسیر برکات به استجابت دعا نیز نمی‌تواند وجهی داشته باشد؛ چراکه بسیاری از غیرمؤمنان به‌ویژه اهل کتاب به وجود خداوند باور دارند و از خداوند در قالب دعا خواسته‌های خود را مطرح می‌کنند که در موارد بسیاری به اجابت نیز می‌رسد (اکرمی، ۱۳۷۸). در صورت پذیرش تفسیر عرفانی یادشده، نه‌تنها شبهه پاسخ داده نمی‌شود، بلکه دامنه‌ای وسیع‌تر می‌یابد؛ زیرا ویژگی‌های ذکرشده در این تفسیر افزون بر غیرمؤمنان برخوردار در بیشتر مسلمانان و مؤمنان برخوردار نیز وجود ندارد که در این صورت باید برای این بخش از شبهه نیز در پی پاسخی دیگر بود.

تفسیر برکات به نجات اخروی نیز با سیاق آیه و ظاهر آن که برخورداری از برکات در دنیا را مطرح کرده، سازگاری ندارد؛ ازاین‌رو بیشتر مفسران آیه را به زندگی این‌جهانی مربوط دانسته‌اند. گذشته از این اگر حتی چنین تفسیری هم پذیرفته شود، باز شبهه باقی خواهد بود؛ زیرا شرط محرومیت از برکات اخروی و گرفتاری در عذاب دوزخْ انکار ایمان و ترک اعمال از روی آگاهی و عمد است (اعراف/ ۱۴۷؛ کهف/ ۱۰۵؛ فاطر/ ۳۶) و نیز چنان‌که در بررسی پاسخ استدراج گفته شد، بسیاری از غیرمؤمنان مشمول این شرط نیستند و نمی‌توان از عذاب و یا عدم برخورداری آنان از برکات اخروی سخن گفت.

ج) انکار برخورداری کامل از برکات

علامه طباطبایی برکات را به معنای خیر کثیر و دارای انواع مختلف دانسته‌اند؛ مانند برکات آسمانی همچون باران و برف و گرما و سرما، و برکات زمینی چون گیاهان و میوه‌ها، امنیت و مانند آن. ایشان با تأمل در معنای «لو» امتناعیه بر آن است که سبب نزول برکات آسمانی و زمینی، ایمان و تقوای جمیع اهل شهرها و مناطق است؛ یعنی اگر انسان‌ها ایمان بیاورند و تقوا پیشه کنند، این برکات شامل حالشان می‌شود. اما اگر برخی ایمان بیاورند و تقوا پیشه کنند و برخی دیگر غیرمؤمن و فاسق باشند، از چنین برکاتی

برخوردار نشده و همواره اسباب فساد فراهم خواهد بود. ایشان در تفسیر ادامهٔ آیه برآن‌اند که مجازات تکذیب‌کنندگان از قبیل عذاب استیصال یا استدراج نیست؛ بلکه بازگشت نتیجهٔ اعمال به خود آن‌ها است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۰۱/۸). به عبارت دیگر مراد علامه آن است که اگر همهٔ مردمان ایمان بیاورند و تقوا پیشه کنند، همهٔ برکات شامل حالشان خواهد شد؛ ولی چون این‌گونه نیستند از همهٔ برکات برخوردار نمی‌شوند.

بررسی

ازآنجاکه تفسیر علامه مؤمنان و غیرمؤمنان را دربر می‌گیرد و در آن برکات نیز به معنای خیر کثیر دانسته شده، نسبت به تفاسیر دیگر جامع‌تر است؛ زیرا در آن همگان به میزان ایمان و تقوای خود از برکات بهره‌مند می‌شوند. اما وجود نکاتی سبب می‌شود این پاسخ نیز شبهه را به صورت کامل برطرف نسازد:

نخست اینکه علامه به‌صراحت مصادیق برکات آسمانی و زمینی را بیان کرده است. این مصادیق همه از امور مادی هستند و از عبارات علامه نمی‌توان مصادیق غیرمادی برداشت کرد. تأکید بر فراهم بودن اسباب فساد و بازگشت نتیجهٔ اعمال مردمان به خود آن‌ها نیز این معنا را تأیید می‌کند. لازم به یادآوری است شبهه این بود که چرا جوامعی که دست‌کم، شرط ایمان را ندارند، نسبت به آنان که ایمان دارند و طبق تعریف تقواپیشه نیز به شمار می‌روند، از مصادیق برکات مورد اشارهٔ علامه بیشتر برخوردارند.

دوم اینکه علامه میان برکات آسمانی و زمینی تفاوتی قائل نشده است. شاید بتوان عدم برخورداری از برکات زمینی مانند امنیت و مانند آن را ناشی از بی‌تقوایی یعنی بی‌توجهی به احکام اخلاقی و رعایت نکردن قواعد زندگی بشری دانست؛ اما محرومیت از باران و برف و ... را چگونه می‌توان توجیه کرد؟ به عبارت دیگر اگر بپذیریم که برخورداری جوامع غیرمؤمن از برکات زمینی نتیجهٔ رعایت تقوا در معنای عام آن است، چرا با وجود نداشتن ایمان از برکات آسمانی بهرهٔ بیشتری داشته‌اند و چرا مؤمنان از این نوع برکات کمتر بهره برده‌اند؟ افزون بر این لازمهٔ فرق نگذاشتن میان برکات، یکسان دانستن آن‌ها در احکام و نتایج است؛ ازاین‌رو دلیلی وجود ندارد که جوامع از نوعی برکت بهره‌مند و از

نوعی دیگر بی‌بهره بمانند؛ بلکه محرومیت و برخورداری باید از هر دو نوع باشد.

تنها در یک صورت است که تفسیر علامه می‌تواند شبهه را تا حدود زیادی برطرف سازد و آن اینکه گفته شود مراد علامه انکار برخورداری کامل غیرمؤمنان از برکات است؛ یعنی ایمان و تقوا شرط برخورداری کامل از برکات است. اما وجود «لو» در آیه نشان‌دهندهٔ آن است که ایمان و تقوای تمام اهل یک جامعه امکان‌پذیر نیست؛ بنابراین برکات آسمان و زمین به صورت کامل شامل حال هیچ ملتی نخواهد شد. در این صورت، آیه بیان‌کنندهٔ شرایط رسیدن به برکات کامل است و دربارهٔ برخورداری از برخی برکات سخن نگفته است. اما چنان‌که اشاره شد این برداشت با ظاهر سخن علامه سازگار نیست و به توضیح و تبیین اضافی نیازمند است. البته دلیلی هم وجود ندارد که گفته شود، چنانچه تمام مردمان منطقه‌ای ایمان و تقوا پیشه کنند، تمام برکات آسمانی و زمینی شامل حالشان خواهد شد. به عبارت دیگر نمی‌توان گفت تقوا و ایمان علت تامهٔ نزول همه برکات‌اند؛ بلکه از کاربرد نکرهٔ واژهٔ برکات می‌توان دریافت که ایمان و تقوا علت گشایش برخی برکات هستند و ممکن است برخی دیگر از طریق اسباب دیگری به وجود آیند (قرائتی، ۱۳۸۸: ۳/ ۱۲۴).

۵. پاسخ پیشنهادی

راه‌حل‌های پیش‌گفته به‌تنهایی نمی‌توانند شبهه را به صورت کامل برطرف سازند؛ اما می‌توان با در نظر گرفتن بخش‌هایی از برخی راه‌حل‌ها پاسخی کامل‌تر ارائه داد. در پاسخ پیشنهادی به معنا و مصادیق برکات و رابطهٔ آن‌ها با ایمان و تقوا توجه شده است. با توجه به معنای عام برکت که هر نوع خیر ثابت اعم از مادی و معنوی را دربر می‌گیرد، می‌توان از مصادیق برکات با دو عنوان آسمانی (معنوی) و زمینی (مادی) یاد کرد. در این تقسیم‌بندی، باران و مانند آن که مادی است، برکت زمینی دانسته شده و معارف الهی، مقامات معنوی، فیوضات ربانی (توبه/ ۱۲۴) و آرامش و اطمینان قلبی (فتح/ ۴، ۱۸، ۲۶) برکت آسمانی به شمار می‌روند. شبههٔ یادشده زمانی مشکل‌آفرین است که همهٔ برکات را

به امور مادی تحویل ببریم؛ حال‌آنکه می‌توان به برکات غیرمادی نیز قائل شد (مصطفوی، ۱۳۸۰: ۹/ ۷۱). ازآنجاکه بی‌تردید یکی از شروط اصلی برخورداری از برکات معنویِ بایسته ایمان و متعلقات آن است (مطهری، بی‌تا: ۲۳/ ۷۶۲)، باید گفت که غیرمؤمنان از این برکات محروم خواهند شد؛ هرچند اگر متعلقات ایمان به ایمان به خدا و روز قیامت (بقره/ ۶۲) محدود شود، احتمال برخورداری مؤمنان غیرمسلمان از برکات معنوی منتفی نخواهد بود. از این نوع برکات می‌توان با عنوان «رحمت خاص» نیز یاد کرد که برخلاف «رحمت عام» همگان را دربر نمی‌گیرد (نساء/ ۱۷۵).

برکات زمینی نیز مصادیق متعددی دارد و تقوا از جمله مهم‌ترین عوامل گشایش آن‌هاست (طلاق/ ۲-۴؛ لیل/ ۵-۷). تقوا در نگرش اسلامی مفهومی با دامنهٔ معنایی بسیار وسیع است که تمام ساحات وجودی انسان را دربر می‌گیرد؛ اما چنان‌که در تعریف‌های خاص‌تر نیز بر آن تأکید شده، تقوا به معنای پرهیزگاری مراتب مختلفی دارد که دوری از تمام گناهان یکی از آن‌هاست (پاکتچی و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۶/ ۵۲). دوری از گناهان نیز همهٔ گناهان شرعی و اخلاقی را دربر می‌گیرد. رعایت الزامات اخلاقی و شرعی مربوط به زندگی دنیوی عامل رشد و بالندگی در دنیاست و زندگی همراه با آسایش و سعادتمندی را نصیب فرد خواهد کرد. این مسئله به فرد و گروه و اندیشهٔ خاصی اختصاص ندارد؛ بلکه همگان را با هر گرایش اعتقادی‌ای شامل می‌شود. تأکید می‌شود که نباید تقوا فقط به امور مادی تحویل برده شود. ادعا این است رعایت تقوا که در امور مادی نیز بسیار نمود دارد، با هر انگیزه و هدفی که باشد، نتایج عادی و تکوینی خود را خواهد داشت و در مقابل، رعایت نکردن آن در مراتبی به محرومیت از مواهب مادی و این‌جهانی خواهد انجامید؛ به عبارت دیگر می‌توان گفت آیه درصدد بیان به‌اصطلاح مقتضیات نزول برکات آسمانی و زمینی است که دراین‌باره به دو نکته باید توجه کرد: نخست اینکه اثبات لزوم وجود ایمان و تقوا به معنای عدم دخالت عوامل یا مقتضیات دیگر نیست؛ یعنی ممکن است مقتضیات دیگری نیز در این مهم دخیل باشند که در آیه نیامده است. نکتهٔ دوم موانع است که در آیه به همهٔ آن‌ها اشاره نشده است. وجود ایمان و تقوا درصورتی

اثرگذارند که موانع نیز وجود نداشته باشند. در آیه به تکذیب آیات الهی اشاره شده؛ اما به دیگر موانع احتمالی پرداخته نشده است؛ برای نمونه می‌توان شرایط جغرافیایی و آب‌وهوایی را به‌عنوان مقتضیات و موانع در نظر گرفت.

این پاسخ به زمان و مورد خاصی محدود نشده و با تأکید بر جدایی ماهوی ایمان و عمل، هریک را دارای نتایج مخصوص به خود دانسته است. همچنین در این پاسخ، غیرمؤمنان به صورت مطلق از برکات آسمانی و زمینی محروم دانسته نشده‌اند. در این پاسخ ضمن پذیرش کلی دیدگاه علامه طباطبایی کوشیده شده ابهامات آن برطرف شود؛ ازاین‌رو با تفسیر علامه نیز متفاوت است. نویسنده با توجه به آنچه گفته شد، ضمن تأکید بر ارزشمندی تفاسیر دیگر بر آن است که با ارائهٔ این تفسیر، پاسخ کامل‌تری به شبهه داده می‌شود.

نتیجه‌گیری

برخورداری از نعمت‌ها و برکت‌های آسمانی و زمینی همواره بر پایهٔ قوانین و روندهای متعدد طبیعی و فراطبیعی صورت می‌گیرد. قرآن کریم در آیات مختلف به برخی از این عوامل و روندها اشاره کرده است. در زبان قرآن، ایمان و تقوا از جمله مهم‌ترینِ این عوامل به شمار می‌روند. این دو مفهوم در قرآن معانی مختلف و مراتب و مصداق‌های متعدد دارند. با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان دریافت که طرح شبههٔ ناسازگاری آیهٔ ۹۶ سورهٔ اعراف با برخورداری بیشتر غیرمؤمنان از نعمت‌ها نتیجهٔ توجه نکردن به همهٔ معانی و مصادیق یادشده است. همچنین باید توجه داشت که این آیه و دیگر آیات درصدد بیان تمام علت‌ها و روندهای اثرگذار در برخورداری کامل از همهٔ برکات نیستند؛ بلکه تنها به بخشی از آن‌ها که البته ارتباط مستقیمی با اهداف قرآن کریم دارد، می‌پردازند. ازاین‌رو در نظر نگرفتن این نکته نیز می‌تواند زمینهٔ طرح چنین شبهه‌ای را فراهم سازد. از بررسی تفاسیر مفسران شیعه می‌توان دریافت که این مطلب به‌عنوان یک شبهه برای آنان مطرح نبوده و تنها در چند تفسیر معاصر به صورت ضمنی و در **تفسیر نمونه** به صورت مستقیم

از آن سخن رفته است؛ ازاین‌رو پاسخ‌های ارائه‌شده تمام جوانب شبهه را دربر نمی‌گیرد. بدین‌سان با توجه به نکات یادشده کوشیده شد ضمن توجه به ظاهر آیه و در نظر گرفتن مصادیق متعدد و لایه‌های پنهان‌تر معانی واژه‌ها پاسخی ارائه شود که به باور نویسنده جامع‌تر و نقایص آن نسبت به دیگر پاسخ‌ها کمتر است.

منابع

۱. آمدی، سیف‌الدین، ***أبکار الأفکار فی أصول الدین***، تحقیق احمد محمّد مهدی، دار الکتب، القاهره، ۱۴۲۳ق.
۲. ابن منظور، محمّد بن مکرم، ***لسان العرب***، دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۳. اکرمی، غلامرضا، «دعا و نیایش در ادیان»، ***اخبار ادیان***، بهار و تابستان، شمارهٔ ۲۶ و ۲۷، ۱۳۸۷ش.
۴. بروجردی، محمّدابراهیم، ***تفسیر جامع***، کتابخانهٔ صدر، تهران، ۱۳۶۶ق.
۵. بغدادی، عبدالقاهر، ***الملل و النحل***، دار المشرق، بیروت، ۱۹۹۲م.
۶. پاکتچی، احمد و دیگران، «تقوا»، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۷ش.
۷. تفتازانی، سعدالدین، ***شرح العقاید النسفیة***، مکتبة الکلیات الأزهریة، القاهرة، ۱۴۰۷ق.
۸. ثقفی تهرانی، محمّد، ***روان جاوید در تفسیر قرآن مجید***، برهان، تهران، ۱۳۹۸ش.
۹. جرجانی، حسین بن حسن، ***جلاء الأذهان و جلاء الأحزان***، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۷ش.
۱۰. حسینی همدانی، محمّد، ***انوار درخشان در تفسیر قرآن***، تحقیق محمّدباقر بهبودی، لطفی، تهران، ۱۴۰۴ق.
۱۱. خسروانی، علیرضا، ***تفسیر خسروی***، کتاب‌فروشی اسلامیه، تهران، ۱۳۹۰ش.
۱۲. رازی، ابوالفتوح حسین بن علی، ***روض الجنان و روح الجنان***، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس، مشهد، ۱۴۰۸ق.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمّد، ***المفردات فی غریب القرآن***، دار العلم ـ الدار الشامیة، دمشق ـ بیروت، ۱۴۱۲ق.
۱۴. رضایی اصفهانی، محمّدعلی، «نظریه‌پردازی‌های علمی قرآن»، ***پژوهش‌نامهٔ قرآن و حدیث***، شمارهٔ ۹، پاییز و زمستان ۱۳۹۰ش.
۱۵. سبحانی، جعفر، ***بحوث فی الملل و النحل***، مؤسسة الإمام الصادق علیه‌السلام، قم، بی‌تا.

۱۶. سبزواری نجفی، محمّد، ***إرشاد الأذهان فی تفسیر القرآن***، دار التعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۹ق.
۱۷. سبزواری نجفی، محمّد، ***الجدید فی تفسیر القرآن***، دار التعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۶ق.
۱۸. شریف مرتضی، ***الذخیرة فی علم الکلام***، مؤسسة النشر الإسلامی، قم، ۱۴۱۱ق.
۱۹. شهرستانی، محمّد، ***الملل و النحل***، شریف رضی، قم، ۱۳۶۴ش.
۲۰. شیرافکن، محمّدحسین و دیگران، «تحلیل حوزهٔ مقابل تقوا با تأکید بر روش معناشناسی ایزوتسو»، ***ذهن***، شمارهٔ ۷۱، پاییز ۱۳۹۶ش.
۲۱. طباطبایی، محمّد حسین، ***المیزان فی تفسیر القرآن***، مؤسسة النشر الإسلامی، قم، ۱۴۱۷ق.
۲۲. طبرسی، فضل بن حسن، ***مجمع البیان فی تفسیر القرآن***، تصحیح: فضل‌الله یزدی و هاشم رسولی، ناصر خسرو، ایران، ۱۳۷۲ش.
۲۳. هاشم رسولی، ناصر خسرو، ***تفسیرجوامع الجامع***، تصحیح: ابو القاسم گرجی، مرکز مدیریت حوزهٔ علمیهٔ قم، قم، ۱۴۱۲ق.
۲۴. طریحی، فخرالدین، ***مجمع البحرین***، کتاب‌فروشی مرتضوی، تهران، ۱۳۷۵ش.
۲۵. طوسی، محمّد بن حسن، ***الإقتصاد فیما یتعلّق بالإعتقاد***، دار الأضواء، بیروت، ۱۴۰۶ق.
۲۶. طوسی، محمّد بن حسن، ***التبیان فی تفسیر القرآن***، دار إحیاء التراث العربی، بیروت، بی‌تا.
۲۷. طیب، عبدالحسین، ***اطیب البیان فی تفسیر القرآن***، انتشارات اسلام، تهران، ۱۳۷۸ش.
۲۸. عاملی، ابراهیم، ***تفسیر عاملی***، تصحیح: علی‌اکبر غفاری، کتاب‌فروشی صدوق، تهران، ۱۳۶۰ش.
۲۹. عاملی، علی بن حسین، ***الوجیز***، دار القرآن الکریم، قم، ۱۴۱۳ق.
۳۰. فخر المحقّقین، محمّد، ***ایضاح الفوائد***، تصحیح: موسوی کرمانی و دیگران، اسماعیلیان، قم، ۱۳۸۷ش.
۳۱. فخر الدین رازی، محمّد بن عمر، ***مفاتیح الغیب***، إحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰ق.
۳۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، ***کتاب العین***، انتشارات هجرت، قم، ۱۴۱۰ق.
۳۳. فرقانی، قدرت‌الله، «سنّت امداد در زندگی بشر از دیدگاه قرآن»، ***مربیان***، شمارهٔ ۱۷، پاییز ۱۳۸۴ش.
۳۴. فیض دکنی، ابو الفیض بن مبارک، ***سواطع الإلهام فی تفسیر کلام الملك العلام***، تحقیق: مرتضی آیت‌الله‌زاده، دار المنار، قم، ۱۴۱۷ق.
۳۵. قاضی عبدالجبار، ***شرح الأصول الخمسة***، دار إحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۲ق.
۳۶. قرائتی، محسن، ***تفسیر نور***، مؤسسهٔ فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران، ۱۳۸۸ش.
۳۷. قرشی، علی‌اکبر، ***تفسیر احسن الحدیث***، بنیاد بعثت، تهران، ۱۳۷۵ش.
۳۸. قرشی، علی‌اکبر، ***قاموس قرآن***، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۱ش.
۳۹. کاشانی، فتح الله، ***زبدة التفاسیر***، مؤسسة المعارف الإسلامیة، قم، ۱۴۲۳ق.

۴۰. کاشانی، فتح الله، ***منهج الصادقین فی الزام المخالفین***، کتاب‌فروشی اسلامیه، تهران، ۱۳۷۳ش.
۴۱. کلینی، محمّد بن یعقوب، ***الکافی***، تصحیح: علی‌اکبر غفاری و محمّد آخوندی، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۴۰۷ق.
۴۲. گنابادی، سلطان محمّد، ***بیان السعادة فی مقامات العبادة***، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۸ق.
۴۳. لاهیجی، محمّد بن علی، ***تفسیر شریف لاهیجی***، دفتر نشر داد، تهران، ۱۳۷۳ش.
۴۴. حیدرنیا، محمّدعلی و دیگران، «رابطهٔ بین محرومیت (فقر اقتصادی) و کیفیت زندگی وابسته به سلامت»، ***پایش***، دورهٔ یازدهم، شمارهٔ ۴، شهریور ۱۳۹۱ش.
۴۵. مصطفوی، حسن، ***التحقیق فی کلمات القرآن الکریم***، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۶۰ش.
۴۶. مصطفوی، حسن، ***تفسیر روشن***، مرکز نشر کتاب، تهران، ۱۳۸۰ش.
۴۷. مطهری، مرتضی، ***مجموعهٔ آثار***، صدرا، تهران، بی‌تا.
۴۸. مغنیة، محمّدجواد، ***التفسیر الکاشف***، دار الکتاب الإسلامی، قم، ۱۴۲۴ق.
۴۹. مغنیة، محمّدجواد، ***التفسیر المبین***، دار الکتاب الإسلامی، قم، ۱۴۲۵ق.
۵۰. مفید، محمّد بن محمّد، ***تفسیر شیخ مفید***، بوستان کتاب، قم، ۱۴۲۴ق.
۵۱. مقاتل بن سلیمان، ***تفسیر مقاتل بن سلیمان***، تحقیق: عبدالله محمود شحاته، دار إحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۳ق.
۵۲. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، ***تفسیر نمونه***، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۴ش.
۵۳. واعظ کاشفی، حسین بن علی، ***مواهب علیه***، چاپخانهٔ اقبال، تهران، ۱۳۶۹ش.
۵۴. ورام بن ابی فراس، ***تنبیه الخواطر و نزهة النواظر***، مکتبة الفقیه، قم، ۱۴۱۰ق.
۵۵. یزدانی، محمّدحسن و دیگران، «تحلیل اثرات فقر قابلیتی بر سلامت روانی در سکونتگاه‌های غیررسمی (نمونهٔ موردی: محلهٔ ایران‌آباد شهر اردبیل)»، ***برنامه‌ریزی رفاه و توسعهٔ اجتماعی***، دورهٔ یازدهم، شمارهٔ ۴۴، آذر ۱۳۹۹ش.